

اسب مرده را چه کسی زین می‌کند؟

رجب افشنگ



کتابخانه ملی ایران

NATIONAL LIBRARY AND ARCHIVES OF IRAN

سرشناسه	افشنگ، رجب، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	اسب مرده را چه کسی زین می‌کند؟ / رجب افشنگ.
مشخصات نشر	نوشهر: ناسنگ، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۲۶ ص. ۱۴۰۵/۲۱۱-۵/۱۴۰۵ م.
شابک	978-622-6688-14-7
وضعیت فهرست نویسی	فپا
یادداشت	بالای عنوان: مجموعه شعر.
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	Persian poetry -- 20th century
نوع	شعر سپید -- قرن ۱۴
نوع	Blank verse -- 20th century
رده بنیاد	PIR ۷۹۵۳
بندی دیویی	۸۱۵/۲۶
شماره کتابشناسی	۵۹۷۴۴۳۵



www.nasangpub.com

اثر: اسب مرده را چه کسی زین می‌کند؟

شاعر: رجب افشنگ

صفحه آرا: واحد تولید ناسنگ

چاپ اول: آذر ۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۶۲۲-۹۷۸-۶۶۸۸-۱۴-۷

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

نشانی دفتر انتشارات: مازندران، نوشهر، دهنو، خیابان گلزار، خیابان شاهد، پلاک ۲۷

تلفکس: ۰۱۱۵۲۱۴۴۳۶۱

شماره تماس جهت مشاوره: ۰۹۱۱۹۹۳۳۷۶۱

ایمیل: nashr.nasang@gmail.com

سخن ناشر

مبحث از چیستی شعر، بحث دشوار و به اعتباری غیرممکن می باشد. چرا که تاکنون به اندازه عمر آدمی از پیدایش شعر می گذرد، تعریف جامع و مانعی از آن صورت نگرفته است. برای همین قضاوت درباره شعر و شاعری کار دشواری است. کتابی که پیش رو دارید از شاعری بی ادعاست ولی اشعارش تحریک کننده معاست، شعری متعهد و آگاهی بخش. این گونه اشعار هنوز به مسیر خود ادامه می دهند و نسل متفکر و اندیشمند را به جمع شعرای پیشکسوت پیوند می زنند. نسلی با دغدغه های جدید، نگاهی متفاوت، با دنیایی از اطلاعات و کمال استعداد. نسلی قالب گریز که می خواهد خودش بیان دیشد و خودش بیافریند.

اشعارش در انسان آگاهی، تعهد، مسئولیت و عنایت می آفریند، زیرا شعر متعهد؛ شعری است که به انسان اخلاق، شجاعت، گستاخی و وفاداری می آموزد. در اشعار این شاعر گرانمایه همانند اثرات درس انسانیت موج می زند. شاعر خود را از مردم می داند و عضویت شعری می پذیرد و خود را از طبقه خاصی نمی پندارد. به همین دلیل شعرش با اجتماع و سیاست گره می خورد و خود، تاریخ روزگارش می شود.

در یک تقسیم بندی کلی می توان گفت مهم ترین موضوعات اشعارش، اجتماع، انسان، سیاست و تعامل هر سه باهم است. اشعارش از فردیت

خارج شده و با زندگی انسان امروز خواسته یا ناخواسته با سیاست و اجتماع پیوند خورده و در اشعارش دردهای بی پایان نسل معاصر مشاهده می‌گردد. شاعر به دنبال گمشده‌اش می‌گردد که می‌گوید: «آزادی شاید گرگ هاری بود که آمده بود وسط میدان شهر»

زبان شاعر زبان مردمی است که از میان آنان برخاسته و زبان گویای در سنای زندگی گروهی است که در محرومیت و نابرابری رنج می‌برند. اشعارش فریاد دردگوشسته بیداد دیدگان اجتماع است.

عمرش دراز باد و فریادش رساتر

میترا متاجی

فهرست اشعار

۱۱.....	سبز.....
۱۳.....	خاورما.....
۱۵.....	بهار.....
۱۷.....	در کارخانه.....
۱۹.....	مشکوک.....
۲۱.....	سکوت.....
۲۲.....	در سیبری.....
۲۴.....	بازی.....
۲۶.....	ستارخان.....
۲۸.....	اقا.....
۲۹.....	پرچم.....
۳۱.....	ماه.....
۳۳.....	بمب.....
۳۵.....	سنگر.....
۳۷.....	انتظار.....
۳۹.....	انقلابی.....
۴۱.....	اجازه.....
۴۳.....	دادگاه.....
۴۵.....	نفت.....
۴۷.....	شیانه.....

۴۹	بعد از کودتا
۵۱	مادر
۵۳	آزادی
۵۵	نخستین
۵۷	انجام وظیفه
۵۹	برگ
۶۱	برای سرم؛ امیر
۶۳	مدیانی
۶۵	مُجرم
۶۷	در پروانه
۶۸	نوجوانی
۷۰	تیرداد نصری
۷۲	ایران
۷۴	تجاوز
۷۶	قربانی
۷۷	پرواز
۷۸	مردم
۸۰	قله
۸۱	پشت پرده
۸۳	راز
۸۵	انجام وظیفه
۸۷	مغول‌ها
۸۹	پاییز
۹۱	جنین

۹۳.....	کولبر.....
۹۴.....	آغامحمدخان.....
۹۵.....	طغیان.....
۹۶.....	طعمه.....
۹۷.....	انقلاب.....
۹۸.....	دخیل.....
۹۹.....	شبح.....
۱۰۱.....	پلیس‌ها.....
۱۰۳.....	آل‌زایمر.....
۱۰۴.....	از پشت میله‌ها.....
۱۰۶.....	اژدها تر.....
۱۰۸.....	مرگ.....
۱۰۹.....	قلب.....
۱۱۰.....	آزادی.....
۱۱۱.....	صلح.....
۱۱۳.....	دل‌تنگی.....
۱۱۴.....	یک پرچم.....
۱۱۶.....	بوی پیراهن یوسف (ع).....
۱۱۸.....	در پگاه.....
۱۱۹.....	انگلیسی‌ها.....
۱۲۱.....	قربانی.....
۱۲۳.....	سرود ملی.....
۱۲۴.....	جوانه.....
۱۲۵.....	سیب.....